فصلنامه علمی – ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره هشتم ، پاییز ۱۳۹۳- صفحه ۷-۲۸

بررسی تطبیقی اهداف اقتصادی مکتب اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه داری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۸

سید نظام الدین مکیان*
شهنازناصری**

چکیده

در نظام‌های اقتصادی تأمین معاش و رفع نیازهای ضروری و عادی مردم رکن اصلی زندگی فردی و اجتماعی است. با توجه به اینکه هدف مدیریت نظام اجتماعی رشد اقتصادی و تعالی جامعه می‌باشد و این هدف مستلزم داشتن امکانات و روش‌هایی برای رسیدن به نتیجه مطلوب است چنانچه دستیابی به هدف میسر نشود مشکلات فراوانی در نظام‌های اقتصادی رخ خواهد داد. سؤال این است که آیا اهداف نظام‌های اقتصادی با یکدیگر وجه اشتراک دارند یا متفاوت از هم می‌باشند؟ اهمیت و ضرورت پاسخ به این سؤال نیازمند بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای میان نظام‌های اقتصادی است. با توجه به اهمیت موضوع در این پژوهش تلاش شده است که به عنوان نمونه با بررسی و مطالعه مکتب اقتصاد اسلامی ونظام اقتصاد سرمایه‌داری به این مهم پرداخته شود. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت مکتب اقتصاد اسلامی و نظام سرمایه‌داری در قالب اهداف غایی، عالی، میانی و جاری با توجه به نحوه رسیدن به آنها و هم‌چنین جهان‌بینی حاکم بر هرکدام متفاوت است.

واژگان کلیدی: *هدف مکتب اقتصاد اسلامی، هدف نظام اقتصاد سرمایه‌داری*
طبقه‌بندی JEL: *P51,P1*

* دانشیار گروه اقتصاد ، دانشگاه یزد nmakiyan@yazd.ac.ir
** دانشجوی کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول) sh.naseri.1988@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مقدمه

نظام اقتصادی عبارت است از مجموعه مرتبط و منظمی از عناصر که به منظور ارزشیابی و انتخاب در زمینه تولید، توزیع و مصرف برای کسب بیش‌ترین موفقیت فعالیت می‌کند. به عبارت دیگر نظام اقتصادی؛ مجموعه هماهنگی از نهادهای حقوقی و اجتماعی است که در بطن آن برخی وسائل سازمان یافته به پیروی از برخی انگیزه‌های برتر به منظور برقراری تعادل اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد (نمازی، ۱۳۹۳، ص ۳۹). در شکل گیری هر نظامی از جمله نظام اقتصادی و فعالیت‌های نظام‌مند آن، جایگاه اهداف، غیر قابل انکار است. با تعیین اهداف می‌توان نیازها، امکانات و روش‌های وصول به آن را تعیین کرد. بنابراین، اگر اهداف اقتصادی نظام به دقت تعیین نشود، تبیین ابعاد و ویژگی‌های آن، تعیین نیازها، امکانات و روش‌های وصول به اهداف اقتصادی، امری مشکل و با اشتباهات فراوان روبرو خواهد بود. اهداف یک نظام اقتصادی مقاصدی هستند که اجزاء نظام برای دست‌یابی به آن سامان می‌یابند. ممکن است تصور شود نظام‌های اقتصادی دارای اهداف مشترک هستند و اختلاف در راه‌ها و روش‌های دست‌یابی به اهداف مشترک، اولویتی است که برای هر هدف در نظر گرفته می‌شود. هر نظام اقتصادی دارای جهان‌بینی خاص خود است که براساس آن برداشت‌هایی از مبدأ خلقت، جهان هستی، انسان و اجتماع و روابط آنها با یکدیگر دارد و بر مبنای این برداشت‌ها، ارزش‌هایی را پذیرفته است. بنابراین هر مکتب اقتصادی بر اساس برداشت‌ها وارزش‌های پذیرفته شدهٔ خود، راه‌حل‌های را برای مسائل ارائه می‌دهد (نمازی، ۱۳۹۳، ص ۴۱). در مکتب اقتصاد اسلامی، دولت نهاد مهم و اساسی است و شناخت و تبیین اهداف اقتصادی آن بر اساس متون دینی و مقایسه آن با اهداف اقتصادی سایر دولت‌ها به ادبیات اقتصادی نیازمند است.

مطالعه نظام‌های اقتصادی نشان می‌دهد که اهداف، اصول و چارچوب‌های اساسی آن‌ها همانند دیگر نظام‌های اجتماعی تحت تأثیر جهان‌بینی حاکم بر نظریه‌پردازان آن نظام است (موسویان،۱۳۸۱، ص ۳۸). اقتصاد اسلامی از لحاظ هدف یک اقتصاد واقعی است. زیرا اسلام در نظام‌ها و قوانین خود هدف‌هایی را منظور می‌دارد که با واقعیت انسانی، از نظر خوی و سرشت و انگیزه‌ها و خصایص عموم هماهنگی دارد و سعی می‌کند که در وضع قوانین خود با انسان دروغ نگوید و او را در محیطی که مافوق قدرت اوست به پرواز در نیاورد. بلکه اسلام همیشه روش‌های اقتصادی خود را بر اساس دید واقعی انسان می‌گذارد و هدف‌هایی را دنبال می‌کند که به آن دید واقعی بدهد. اقتصاد اسلامی همچنین در روش خود واقعی می‌باشد و همانطور که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

هدف‌های واقعی را که امکان وصول به آن‌ها وجود دارد را اتخاذ کرده، راه رسیدن به این اهداف را نیز ضمانت کرده است (صدر، ۱۳۴۸، ص ۳۶۶).

در این مقاله سعی شده است با توجه به تعاریف، مکتب اقتصاد اسلامی، اقتصاد سرمایه داری و نگرش و جهان‌بینی حاکم بر هر کدام از آن‌ها، به بررسی اهداف اقتصادی آنها بپردازد. سپس این دو را با توجه به اهداف اقتصادی مورد نظر با همدیگر مقایسه کند. بنابراین، پس از بیان مقدمه، در بخش اول به مبانی نظری در سه مبحث تعاریف نظام اقتصادی، مکتب اقتصاد اسلامی و نظام اقتصاد سرمایه‌داری و دربخش دوم به پیشینه موضوع تحقیق می‌پردازد. بخش سوم دو مکتب اقتصادی اسلام و نظام سرمایه‌داری با توجه به دو شاخص جهان‌شمولی و اهداف نظام‌های اقتصادی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. بخش چهارم به نتیجه‌گیری تحقیق اختصاص دارد.

۱. مبانی نظری

مطالعه نظام‌های اقتصادی نشان می‌دهد که اهداف، اصول و چارچوب‌های اساسی آنها همانند دیگر نظام‌های اجتماعی تحت تأثیر جهان‌بینی حاکم بر نظریه‌پردازان آن نظام‌ها است. بر این اساس شناخت درست نظام‌های اقتصادی و اصول پذیرفته شده بر آن‌ها بر شناخت دقیق مبانی فکری و فلسفی شکل دهنده آنها متوقف است. بنابراین به منظور شناخت نظام‌های اقتصادی در این قسمت به ذکر تعاریفی برای نظام اقتصادی، مکتب اقتصاد اسلامی و نظام اقتصاد سرمایه‌داری پرداخته می‌شود.

۱-۱. تعاریف

۱-۱-۱. نظام اقتصادی

نظام در تئوری عمومی نظام‌ها به مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته گفته می‌شود که در راه نیل به هدف‌های معینی هماهنگ است (چارلزوست، ۱۳۶۹، ص ۲۶). با توجه به این تعریف، نظام اقتصادی، مجموعه‌ای است از اصول و عناصر که بر اساس آن‌ها، چارچوب فعالیت‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. بر همین اساس این مجموعه دارای مبانی بنیادین و فلسفی، اصول عام عملی و قواعد رفتارهای اقتصادی می‌باشد که اساس و منبعی برای استنباط چارچوب نظم رفتارهای اقتصادی به حساب می‌آید. در مبانی بنیادین، معرفت‌های ریشه‌ای و اساسی نظام

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

اقتصادی در مورد مسائل اقتصادی از قبیل تولید، توزیع و مصرف مطرح می‌شود و بر اساس این نوع معرفت‌ها نگاه و نگرش کلی به این مسائل می‌شود. اصول عام عملی نیز چارچوب‌های حقوقی– اجتماعی رفتارهای اقتصادی را تعیین می‌کند. در واقع حقوقی از قبیل نوع مالکیت، حدود معاملات مالی و قلمرو فعالیت مبادلاتی بخش خصوصی در این مباحث مطرح می‌شود. قواعد جزئی رفتارها و تلاش‌های اقتصادی که در واقع هنجارهای آن‌ها به حساب می‌آید، نیز قواعد عملی این مباحث است؛ مثلاً در نظام سرمایه‌داری، عنصر آزادی اقتصادی و این که در سایه این اصل هماهنگی بین مصالح فردی و اجتماعی تحقق خواهد یافت، به عنوان یک اصل کلی از مبانی فلسفی مطرح است. بر همین اساس می‌توان گفت که هر نظام اقتصادی علاوه بر مبانی فلسفی و اصول کلی اهداف، راهبردهای عملی را نیز ارائه می‌دهد (نظری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸). هر نظام اقتصادی در جهت تحقق نتیجه مطلوب عمل می‌کند و نتیجه مطلوب ارتباط فراوانی با فلسفه اساسی هر نظام دارد. همچنین بر الویت‌های اجتماعی برگزیده مانند افزایش رفاه یا عدالت در توزیع، آزادی فردی یا استقلال جامعه، رشد اقتصادی یا حفظ اصول اخلاقی و ... مبتنی است؛ به همین دلیل هر نظامی بر اساس مقدار سازگاری فلسفه و اصول و روش‌های عمل آن با فطرت انسانی از یک سو و مقدار کارایی آن در تحقق اولویت‌هایی که آن نظام نصب العین خود قرار داده از سوی دیگر ارزیابی می‌شود (قحف، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵).

۲-۱-۱. مکتب اقتصاد اسلامی

مکتب اقتصادی اسلام مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است. که از کتاب و سنت پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و عقل استنباط می‌شود. الگوهای فوق چگونگی پیوند شرکت‌کنندگان در نظام اقتصادی به یکدیگر و منابع اقتصادی را تبیین کرده؛ و بر اساس مبانی بینشی و در چارچوب اخلاق حقوق اقتصادی در جهت اهداف اقتصادی اسلام سامان یافته است (میر معزی، ۱۳۸۱، ص ۲۰). مکتب اقتصاد اسلام بر اساس جهان‌بینی، اصول و احکام اسلامی شکل گرفته و در مقایسه با بعضی از نظام‌های اقتصادی که صرفاً به صورت نظری ارائه شده‌اند ولی در عمل تحقق نیافته‌اند از این امتیاز برخوردار است که اگر چه در مقطعی نسبتاً کوتاه و گذشته‌ای دور یعنی صدر اسلام به وجود آمده ولی در عمل تحقق یافته است. از منظر تحلیل روش‌های سه‌گانه تاریخی، تحلیلی و عملکردی در بررسی نظام‌های اقتصادی، روش تحلیلی برای بررسی مکتب اقتصادی اسلام مناسب‌تر است; به این معنا که نظریات و اصول این نظام را می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

و میزان انسجام و سازواری آن نظریات و ارتباط منطقی میان آن‌ها را مشخص کرد. همچنین تأثیر جهان‌بینی اسلام بر شکل‌گیری این اصول به خوبی قابل بررسی و تحلیل است. برای مثال دیدگاه‌ها و نظریه‌های مربوط به فرد و جامعه، آزادی‌های فردی، مالکیت، نقش دولت در اقتصاد و نظریه توزیع درآمد، هم به لحاظ انسجام و سازواری با یکدیگر و هم از نظر ارتباط هر یک با جهان‌بینی و نظریات اساسی اسلام و هم از لحاظ هماهنگی و انسجام احکام مربوط به هر یک از آن‌ها با یکدیگر و همچنین در مجموع قابل تجزیه و تحلیل هستند (نمازی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۲).

۳-۱-۱. نظام اقتصاد سرمایه داری

سرمایه‌داری به عنوان یک مفهوم کلیدی از انتقادات اجتماعی و یک مفهوم برای تجزیه و تحلیل اقتصادی و اجتماعی و تاریخی در زبان‌های غربی است که در نیمه دوم قرن نوزدهم ظاهر شد (Kocka, 2015: 105). نظام سرمایه‌داری، نظام اقتصادی حاکم بر جهان می‌باشد که در مورد آن تحلیل‌ها و قضاوت‌های مخالف و موافق زیادی صورت می‌گیرد . ساموئلسون، اقتصاددان معروف، در تعریف نظام اقتصادی سرمایه‌داری می‌گویند: «نظام مذکور، سازمانی است که در آن اکثریت اموال، داریی‌ها و ابزار تولید به طور خصوصی مورد تملک واقع شده و بازار به عنوان ابزار تخصیص منابع و ایجاد درآمد محسوب می‌شود». رابرت هیل برونر بیان می‌کند: «نظام اقتصاد سرمایه‌داری مجموعه‌ای از نهادها و اندیشه‌های کلیدی می‌باشد که اساسی‌ترین اندیشه‌ها، مشروعیت تملک خصوصی بر ابزار تولید می‌باشد و اصلی‌ترین نهاد بازار در آن کنترل نشده است». هر دو تعریف با وجود تفاوت‌های ظاهری، دو عنصر مالکیت و تخصیص را به عنوان محورهای شناسایی نظام سرمایه‌داری مورد تأکید قرار داده‌اند. بنابراین، اساسی‌ترین رکن‌های نظام سرمایه‌داری عبارت‌اند از: انجام مبادله آزاد فعالیت‌های تولیدی در قالب بازار، در دست داشتن قیمت‌ها توسط کارگزاران خصوصی، وجود بازار رقابت و حضور کمرنگ دولت در این نظام اقتصادی است (دادگر،۱۳۸۷، ص ۱۴۷). فریدمن استدلال می‌کند که نظام سرمایه‌داری، نظامی است که در آن مالکیت ابزار تولید به جای این که در دست سازمان‌های فراگیر مانند دولت و کلیسا باشد، به تنهایی در دست افراد خصوصی و یا گروه‌های خاص (شرکت‌ها) می‌باشد. وی معتقد است که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید برای وجود آزادی اقتصادی در نظام سرمایه‌داری ضروری است (Pryor, 2010: 93). نظام اقتصاد سرمایه‌داری بر مبنای مکتب‌های اقتصادی فیزیوکراتیسم و کلاسیک و جهان بینی پذیرفته شده به وسیلهٔ آن‌ها یعنی جهان‌بینی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مکتب دئیسم (خداشناسی طبیعی) و ناتورالیسم(اصالت طبیعت) و لیبرالیسم (اصالت فرد و آزادی‌های فردی) اقتصادی شکل گرفته است که تحت تأثیر این مکاتب اقتصادی بیش‌ترین موفقیت نظام اقتصادی را در فراهم آوردن زمینه برای به حداکثر رساندن سود شخصی افراد از طریق آزادی‌های فردی و رقابت معرفی می‌نماید و ضمن تأکید بر همسویی منافع فرد و جامعه مکانیسم‌های ایجاد کنند تعادل اقتصادی خودکار را برای برقراری تعادل اقتصادی کافی دانسته و در نتیجه هر نوع مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی را مردود می‌داند و توزیع درآمد براساس مکانیسم بازار را بهترین و عادلانه‌ترین نوع توزیع درآمد می‌داند (نمازی، ۱۳۹۳، ص ۴۱).

۲. پیشینه تحقیق

درباره پیشینه علمی موضوع، به جز کتاب اقتصادنای شهید صدربندرت مقاله یا کتابی که به طور مستقیم به موضوع مورد بحث بپردازد، وجود دارد؛ میرمعزی (۱۳۷۸) مقاله‌ای تحت عنوان «نقدی بر اهداف نظام سرمایه‌داری از دیدگاه اسلام»، اهداف غایی و میانی نظام سرمایه‌داری را بررسی کرده و نشان داده است که در نظام سرمایه‌داری، رفاه با مفهوم خاصی، هدف غایی و رشد و عدالت توزیعی (در موقعیتی ویژه) اهداف میانی هستند؛ یعنی از آن رو که در رفاه مؤثر بوده اند هدف واقع می‌شوند. وی در این مقاله نشان داده که تفسیر این نظام از رفاه، رشد و عدالت و اولویتی که برای هریک قائل است برداشت خاصی از مفهوم سعادت فرد و جامعه است واین خود، بر نگرش خاصی به انسان و جامعه مبتنی است که از دیدگاه اسلام به نقد کشیده شده و نشان داده شده که نگرش اسلام به انسان و جامعه، در مقابل نگرش مکتب سرمایه‌داری است و به همین دلیل سعادت فرد و جامعه از دیدگاه اسلام، بسیار متفاوت با تفسیری است که مکتب سرمایه‌داری از سعادت می‌نماید.

موسویان (۱۳۸۱) در مقاله‌ای تحت عنوان « دین و اقتصاد» با نقد و بررسی دیدگاه‌های اندیشه‌وران مسلمان، رابطه منطقی دین با نظام اجتماعی به ویژه اقتصادی را تبیین کرده است. وی در این مقاله به بررسی دیدگاه چهار گروه مختلف از اندیشه‌وران مسلمان پرداخته است. گروه سوم از این اندیشه‌وران، هدف دین را سعادت دنیا و آخرت انسان برشمرده‌اند و به‌تبع آن‌ها، تعالیم پیامبران را شامل دنیا و آخرت می‌دانند و معتقدند در طراحی نظام اقتصادی، باید اهداف، اصول و چارچوب‌های اساسی را با توجه به آموزه‌های دینی تعریف کرد.

یوسفی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان « ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلام و ساماندهی آن» ابتدا با تعیین جایگاه نظام اجتماعی- اقتصادی، یکی از زیر نظام‌های آن را معرفی کرده و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

سپس روشن نموده که اهداف نظام‌های اقتصادی با اهداف دیگر زیرنظام‌های آن متمایز است و مبانی اعتقادی نظام اقتصادی در تعیین اهداف آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

مقاله پیش رو نسبت به مقالات مذکور تا حدودی متمایز است و به دنبال بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای اهداف اقتصادی مکتب اقتصاد اسلامی با نظام اقتصاد سرمایه‌داری به روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای است.

۳. تطبیق دو مکتب اقصاد اسلامی و نظام اقتصاد سرمایه‌داری

۳-۱. ثابت و جهان‌شمول بودن نظام‌های اقتصادی

جهان‌بینی، ساختار ذهنی است که تمام مشکلات مربوط به هستی را به طور منظم و مبتنی بر فرضیه‌های برتر حل می‌کند، به گونه‌ای که هیچ پرسشی بدون پاسخ نمانده و جایگاه ثابت هر چیز مورد نظر را نیز مشخص می‌کند. به عبارت دیگر جهان‌بینی برداشت کلی از مجموعه جهان هستی است (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۲۷۰). دین اسلام جهان‌بینی و ارزش‌های خاصی را معرفی کرده است که با تغییر زمان و مکان تغییر نمی‌کنند و به صورت منطقی می‌توان اثبات کرد که آن جهان‌بینی و ارزش‌ها مستلزم اهداف خاصی هستند که در منابع اسلامی (قرآن و احادیث) به آنها تصریح شده است. از سه طریق می‌توان این نکته را اثبات کرد که مفهوم جهان‌بینی در نظام‌های اقتصادی متفاوت است.

الف) مفهوم سعادت انسان و جامعه ازدیدگاه اسلام

بر اساس جهان‌بینی اسلامی، لذت‌ها و رنج‌های دنیوی از جهت کمیت و کیفیت با لذت‌ها و رنج‌های اخروی قابل قیاس نیست. اسلام گرایش فطری به لذت و فرار از رنج‌ها را به رسمیت می‌شناسد و با دستورالعمل‌های خود، انسان را به سمت لذت‌های برتر و پایدارتر راهنمایی می‌کند. قرآن کریم نیز در مقایسه بین لذت‌های دنیوی و اخروی به منظور دعوت به سوی آخرت و تشویق انسان به حرکت در مسیر سعادت معنوی با تعبیراتی نظیر«زندگی آخرت بهتر و پایدارتر است»* انسان‌ها را به کسب لذت‌های پایدارتر برای رسیدن به سعادت دعوت می‌کند. بر اساس جهان‌بینی اسلام سعادت اعم از لذت مادی است و مفهوم زندگی سعاتمندانه اشاره به مدلی از حیات دارد که علاوه بر اینکه در پی کسب حداکثر لذت‌های پایدار و مشروع مادی در چارچوب شریعت و اخلاق است، نقطه توجه و تأکیدش را بر کسب رضایت الهی و تعالی معنوی

---

۱. سوره اعلی، آیه ۱۷

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

انسان قرار داده است. ولی از دیدگاه سرمایه‌داری که افکار فایده‌گرایان زیربنای مکتب آن‌ها است، انسانی سعادتمند است که لذت مادی و دنیوی او بیشینه و درد و رنج‌های او کمینه باشد. لذا هدف غایی سرمایه‌داری آن است، که بیش‌ترین افراد به بیش‌ترین لذت دنیوی با کم‌ترین درد و رنج دست یابند. اصلی‌ترین دیدگاه فایده‌گرایان آن است که لذت‌ها و رنج‌ها را در نوع مادی و دنیوی محصور می‌کنند (فراهانیفرد و کشاورز، ۱۳۹۳، ص ۱۴).

ب) انسان درجهان‌بینی اسلام

در جهان‌بینی اسلام هدف از آفرینش انسان[۱] و بعثت انبیاء[۲] تزکیه و تعلیم انسان‌ها و حرکت دادن آن‌ها به سوی دنیا و آخرت است. انسان در نگرش اسلامی موجودی دو بعدی و متشکل از جسم و روح است[۳]. واقعیت و حقیقت انسان روح اوست همراهی روح و بدن در دنیا بدان سبب است که بدن ابزار کار روح در این دنیا است. بی‌تردید رفتارهای انسان نظیر کیفیت خوردن، پوشیدن، چگونگی کسب و کار بر بدن و روح وی مؤثر است. برخی از این رفتارهای اقتصادی با تأثیر مثبت بر روح انسان او را در مسیر عبودیت پروردگارترغیب می‌کنند و برخی دیگر دارای آثار منفی هستند (میر معزی، ۱۳۷۸، ص ۹). از دیدگاه قرآن کریم انسان اقتصادی حداکثرکنندهٔ بهره‌مندی‌های مادی و معنوی، دنیوی و اخروی در گسترهٔ تولید، توزیع و مصرف با بهترین ترکیب و الویت‌بخشی به منافع اخروی به هنگام تزاحم تعریف می‌شود. ولی در جهان‌بینی سرمایه‌داری کمال نهایی انسان در قلمرو غرایز فرد و جنبه‌های مادی‌اش تحقق می‌یابد. بنابراین از دیدگاه این مکتب انسان اقتصادی حداکثرکنندهٔ منفعت شخصی تعریف می‌شود و پی‌جویی نفع شخصی در کنار عقلانیت ابزاری از ویژگی‌های مهم آن به شمار می‌رود که نفع شخصی نیز به سود و منفعت مادی در این جهان منحصر می‌شود (ایروانی، ۱۳۹۱، ص ۲۴).

ج) نظام علت و معلولی در جهان‌بینی اسلام

از دیدگاه اسلام جهان دارای نظام متقن علی و معلولی است[۴]. درمبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری نیز نظام طبیعی پذیرفته شده است ولی میان این دو دیدگاه دو تفاوت عمده وجود

---

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶
۲. سوره جمعه، آیه ۶۲
۳. سوره حجر، آیه ۲۸ و ۲۹
۴. سوره ملک، آیات ۳ و ۴

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

دارد. ۱) از دیدگاه اسلام خداوند نه تنها علت حدوث است، بلکه علت بقای این نظم نیز به شمارمی‌آید و تنها اوست که به اسباب سببیت می‌بخشد و هستی را پایدار نگه می‌دارد [۵]. ولی براساس براساس اصول دئیسم که مهم‌ترین عنصر جهان‌بینی نظام سرمایه‌داری است اصلی‌ترین مبنای اعتقادی که بر اساس این جهان بینی مطرح شد «عدم دخالت تشریعی پروردگار»است (Ageles, 1981: 59). بر این مبنا گفته می‌شود که خداوند پدیدآورنده این نظم است ولی در پایداری‌اش نقشی ندارد. نتیجه این تفاوت آن است که براساس دیدگاه سرمایه‌داری نظم موجود در جهان پیوسته ثابت است و علت‌ها همیشه علت می‌مانند، ولی بر اساس دیدگاه قرآن خداوند قادر است هرگاه مصلحت بداند علیت را از هر علتی که بخواهد سلب کند، چنان‌که در واقعه به آتش افکندن حضرت ابراهیم(ع) سوزانندگی را از آتش گرفت [۶]. ۲) نظام طبیعی از دیدگاه قرآن به جهان ماده منحصر نیست و مجردات را نیز شامل می‌شود. از این دیدگاه دو نظام علت ومعلولی مادی و مجرد بر جهان حاکم است [۷] ولی در مبانی فلسفی اقتصاد سرمایه داری این نظم ، به جهان ماده محدود است (میر معزی،۱۳۷۸، ص ۷۳).

۲-۳. اهداف مکتب اقتصاد اسلامی و تطبیق آنها با اهداف نظام سرمایه‌داری

اهداف نظام اقتصادی مقاصدی هستند که اجزاء نظام‌ها برای دست‌یابی بدان سامان می‌یابند. ممکن است که تصور شود، نظام‌های اقتصادی دارای اهداف مشترکند و اختلاف، در راه و روش‌های دست‌یابی به اهداف مشترک و اولویتی است که برای هر هدف در نظر گرفته می‌شود، ولی افزون بر اختلاف در روش‌ها و اولویت‌ها، تفسیری که از برخی اهداف می‌شود نیز متفاوت است. به طور کلی اهداف نظام‌های اقتصادی عبارتند از: رفاه عموم، عدالت توزیعی، رشد اقتصادی، اشتغال‌کامل، ثبات قیمت‌ها، حفظ محیط‌زیست و مدیریت منابع، آموزش و سلامت مردم. لازم به ذکر است که همه‌ی این اهداف در یک رتبه قرار ندارند (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۶۵). با بهره‌گیری از عقل و دلایل نقلی و با توجه به جهان بینی حاکم بر نظام‌های اقتصاد اسلامی اهدافی برای آن‌ها به دست می‌آید که این اهداف به چهار دسته تقسیم می‌شوند؛ ۱) اهداف غایی، ۲) اهداف عالی، ۳) اهداف میانی، ۴) اهداف جاری. این چهار دسته در طول هم قرار دارند و برای دستیابی به اهداف بالاتر ناگزیر باید از راه وصول به اهداف مرتبه پایین‌تر آغاز کرد. در زیر به توضیح هر کدام از اهداف مکتب اقتصاد اسلامی در مقابل نظام اقتصاد سرمایه‌داری پرداخته می‌شود.

---

۵. سوره‌های هود، آیه ۵۷ و بقره، آیه ۲

۶. سوره انبیاء، آیه ۶۹

۷. سوره‌های ملک،آیه ۱ و یس، آیه ۸۳

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۱-۲-۳. اهداف غایی

تمام نظام‌های موجود در اسلام، اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی،ا جتماعی و... هماهنگ با یکدیگر درصدد تحقق هدف غایی هستند. این هدف، همان تربیت و هدایت مردم برای رسیدن به قرب الهی و شایستگی برای بندگی خداوند است. اصلی‌ترین هدفی که پیامبران برای آن برانگیخته شده‌اند، تربیت و هدایت انسان و رسانیدن او به جوار قرب الهی است. شهید مطهری این مطلب را در بحثی که آیا اهداف اصلی پیامبران قرب الهی است یا برقراری عدالت مطرح می‌کند و در پایان این بحث می‌فرماید غایت و کمال واقعی هر موجودی در حرکت به سوی خداوند متعال خلاصه می‌شود (مطهری، ۱۳۸۵وحی و نبوت، ص ۳۳). بنابراین بر اساس جهان بینی اسلام، سعادت اعم از لذت مادی است و مفهوم زندگی سعادتمندانه اشاره به مدلی از حیات انسان دارد که علاوه بر اینکه در پی حداکثر لذت‌های پایدار و مشروع مادی در چارچوب شریعت و اخلاق است، نقطه توجه و تأکیدش بر کسب رضایت الهی و تعالی معنوی انسان قرار داده است. به‌طور کلی هدف غایی مکتب اسلام، دست‌یابی بیش‌ترین افراد به بالاترین مرتبه عبودیت خداوند است (فراهانی فرد و کشاورز، ۱۳۹۳، ص۱۳). ولی در نظام سرمایه داری، هدف نهایی کسب حداکثر سود ممکن از امکانات مادی در چارچوب ارزش‌های آزادی‌خواهانه لیبرالیستی است که تنها قید لازم الاجرا در این نظام عدم تعرض به آزادی‌های فردی دیگران و عدم ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در پیکرهٔ نظام سرمایه‌داری است (فراهانی فرد و کشاورز، ۱۳۹۳، ص ۸).

۲-۲-۳. اهداف عالی

بر اساس آموزه‌های اسلامی عدالت، امنیت و رشد اقتصادی اهداف مکتب اقتصادی اسلام هستند که تحقق و پی‌گیری آن‌ها جهت رسیدن به رفاه عمومی ضروری است. هرگاه این اهداف برای تحقق رفاه عمومی باشند این امر به این معنا است که رفاه عمومی بر اساس آموزه‌های اسلامی هدف عالی مکتب اقتصادی اسلام است (یوسفی، ۱۳۸۷، ص ۹۲). برای اثبات این مطلب از دو دلیل عقلی و نقلی استفاده شده است. ۱) دلیل عقلی: هدف از آفرینش انسان کمال و رستگاری او است که چنین هدفی با کمال هر دو بعد مادی و روحی وی ممکن می‌شود، البته کمال بعد مادی انسان باید در خدمت کمال بعد روحی او قرار گیرد تا سعادت نهایی انسان حاصل شود. بی‌تردید، انسانی که دارای عقل و بدن سالم باشد، توان حرکتش به سوی کمال و سعادت، بیش از انسانی است که از این دو نعمت بزرگ الهی بهره چندانی ندارد. انسان در صورتی می‌تواند عقل و بدن سالم داشته باشد که از رفاه مادی مناسب بهرمند باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۲) دلیل نقلی: در روایات معصومان(ع) واژه رفاه، آسایش یا مصادیقی از این واژه‌ها به صورت هدف جامعه اسلامی تأکید شده است. به همین دلیل نمونه‌ای از این روایات ذکر شده است. پیامبر(ص) در روایتی، رفاه و آسایش را وظیفه مهم حکومت برشمرده است: هر حاکمی که مسئوول امور مسلمانان باشد، اما بی‌شائبه در جهت رفاه و به‌ورزی آنان نکوشد، با آنان وارد بهشت نخواهد شد(فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵). امیرمؤمنان (ع) در نامه خود به مالک اشتر، رفاه و گشایش عمومی را وظیفه حاکم می‌شمارد: نزد خدای متعال برای تمام مردم گشایش و رفاه قرار داده شده است و تمام مردم بر حاکم، حق دارند امور آنان را سامان دهد. رفاه و آسایش مورد نظر اسلامی فقط شامل مسلمانان نمی‌شود، بلکه دولت اسلامی باید حتی رفاه غیر مسلمان را نیز از اهداف اقتصادی خود قرار دهد (سیدرضی، ۱۳۸۳، ص۴۱۷).

امام باقر(ع) نیز در دعایی، رفاه و توانی را از خدا می‌خواهد تا بتواند خدا را عبادت کند و به سعادت برسد. خدایا! تازمانی که مرا زنده نگه می‌داری، رفاه و آسایش در زندگی‌ام را از تو می‌خواهم تا بدان وسیله، توان بر اطاعت تو یابم و به وسیله اطاعت تو به بهشت تو نایل آیم. بر اساس آنچه گفته شد، در بینش اسلامی، رفاه مادی به معنای تأمین خواسته‌های تعدیل شده به وسیله عقل است و رفاه عمومی نیز به معنای رفاه مادی همه افراد می‌باشد. رفاه مساوی با سعادت نیست. در مقابل، در بینش سرمایه‌داری، رفاه مادی فرد به معنای دست‌یابی به بیش‌ترین لذت مادی با کمترین درد و رنج می‌باشد و رفاه عمومی به معنای دست‌یابی بیش‌ترین افراد به بیش‌ترین لذت مادی است. که بر این اساس در بینش سرمایه‌داری، سعادت با رفاه مادی یکسان است (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۸۵).

۳-۲-۳. اهداف میانی

اهداف میانی، سیاست‌های اقتصادی‌اند که نظام‌های اقتصادی برای نیل به اهداف نهایی خود در صدد تحقق آن‌ها می‌باشند. مهمترین این اهداف با توجه به آنچه که از منابع اسلامی استنباط شده است عبارتند از: عدالت، رشد و امنیت اقتصادی. در روایتی امام صادق (ع) بر این سه مطلب تصریح می‌کنند: «ثلاثة اشیاء یحتاج الناس طراً إلیه: الامن والعدل و الخصب» ؛ همه مردم به سه چیز نیازمند هستند: امنیت، عدالت و رشد و آبادانی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۴، ص ۳۳۹۴). به یقین همه مردم به این سه چیز نیاز دارند تا به زندگی مطلوب و رفاه دست یابند. بنابراین، این سه امر مقدمه‌ای برای رسیدن به رفاه هستند. وقتی رفاه، هدف عالی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

اقتصادی اسلام باشد، امنیت، عدالت و رشد به عنوان اهداف مقدمی، نسبت به هدف عالی، محسوب می‌شوند.

الف) عدالت اقتصادی

یکی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی، برقراری عدالت فراگیر در همه ابعاد آن از جمله عدالت اقتصادی است که در برخی از آیات و روایات هدف ارسال انبیاء قلمداد شده است. در اهمیت عدالت اقتصادی همین کافی است که حضرت علی (ع) فلسفه نپذیرفتن خلافت پس از عثمان را به هم خوردن عدالت و تقسیم شدن مردم به دو طبقه سیر و گرسنه ذکر می‌کند (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، ص ۸۲). اقتصاددانان اسلامی معتقدند که عدالت در جامعه اسلامی جایگاه خاص خود را دارد به گونه‌ای که این جامعه برای رسیدن به عدالت اقتصادی طبق دو اصل؛ برابری و انصاف عمل می‌کند و اصل نابرابری فاحش در توزیع کالاها و درآمد را به شدت نقض می‌کند. اصل برابری در رابطه با فرایندهای اقتصادی و نتایج توزیع ثروت‌های تولید شده است، ولی وجود معاملات اقتصادی نیازمند رعایت اصل انصاف است تا تعیین و توزیع در معاملات عادلانه باشند. بنابراین در آموزه‌های اسلام این امر مورد قبول نیست که عده‌ای در خوشی و لذت زندگی کنند و عده‌ای در فقر شکننده به سر ببرند (Kuran, 1989: 172-173). علاوه بر این‌ها ائمه (ع) بر این نکته تأکید ورزیده‌اند که اگر مسلمانان به اصل عدالت وفادار باشند و آن را در جامعه رعایت کنند مشکل فقر و بیچارگی مردم از میان می‌رود و همه به آسایش و رفاه دست می‌یابند. امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: هرگاه میان مردم عدالت اجرا می‌شد آن‌ها بی‌نیاز می‌شدند. ایشان در روایت دیگری نیز می‌فرماید: در اثر اجرای عدالت، آسمان روزی خود را فرو می‌فرستد و زمین برکت خود را آشکار می‌سازد (کلینی، ۱۳۸۹، ص ۵۶۸). اقتصاددانان اسلامی برای جلوگیری از بی‌عدالتی و نابرابری در مکتب اقتصاد اسلامی برای دولت نقش فعالی در نظرمی‌گیرند. (Kuran, 1989: 177). در تمدن مادی جدید که از نظر تاریخی، مکتب سرمایه‌داری مظهر آن است معمولاً رشد سرمایه هدف غایی اساسی فعالیت‌های اقتصادی تلقی می‌شود، زیرا در رژیم سرمایه‌داری «ماده» بالاتر از همه ارزش‌ها قرار داشته و غیر از آن هدفی شناخته نشده است. سرمایه‌داری ازدیاد سرمایه را صرف نظر از نحوه توزیع مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین طرفداران این نظام معتقدند که با افزایش مجموع ثروت ملی فقر از میان می‌رود و هدف که رفاه عمومی است خودبه‌خود تحقق می‌یابد. از طرفی دیگر، از نظر نظام سرمایه‌داری برقراری عدالت اقتصادی زیاد مهم نیست (صدر، ۱۳۴۹، ص۲۷۷). در ادبیات معاصر اقتصاد اسلامی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

این امر در بسیاری از موارد اثبات شده است که مکتب اقتصاد اسلامی در برقراری عدالت اقتصادی نسبت به نظام اقتصاد سرمایه‌داری حداقل در تئوری اهمیت بیش‌تری قائل است (Kuran, 1989: 171).

ب) امنیت و رشد اقتصادی

در اکثر نظام‌های اقتصادی امنیت به عنوان شرط اساسی رشد و توسعه در کشور و یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی، به شمار می‌رود به گونه‌ای که حتی نظام سرمایه‌داری نیز که معتقد به حداقل دخالت دولت می‌باشد یکی از اهداف و وظایف دولت‌ها را برقراری امنیت داخلی و خارجی می‌داند. تأمین امنیت یکی از عوامل اساسی جذب سرمایه‌های ملی برای تولید می‌باشد. ولی در برخی از نظام‌های دیگر مانند سرمایه‌داری توجه اصلی به این هدف امنیت سرمایه صاحبان سرمایه‌های بزرگ است. امنیت مورد توجه اسلام که در کلام حضرت علی (ع) «فیامن المظلمون من عبادک» شده است به عنوان یکی از اهداف نظام تلقی شده است امنیتی فراگیر در همه ابعاد اجتماعی است که تنها متوجه گروه‌های خاص نمی‌باشد بلکه متوجه همه مردم است (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، صص ۸۵-۸۶). اساساً لازمه‌ی پذیرش رفاه عمومی به عنوان هدف عالی اقتصاد حکومت اسلامی، پذیرش رشد اقتصادی، به مثابه هدف مقدمی برای آن است. چنان‌که امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر درباره مالیات به مالک تأکید می‌کند که تلاش تو برای آبادانی زمین باید بیش‌تر از تلاش تو برای جمع‌آوری خراج باشد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: اگر بیشتر می‌خواهی، باید به آبادانی بیشتر بپردازی تا مردم به واسطه آبادانی بیشتر، صاحب درآمد و رفاه بیشتر شوند و تو هم بتوانی مقدار بیشتری از درآمدهای آنها را به صورت مالیات دریافت کنی (سید رضی، ۱۳۸۳، ص ۴۱۷). در نظام سرمایه‌داری، رشد اقتصادی هدفی در رتبه دیگر اهداف هم‌چون رفاه عمومی، بلکه بالاتر از آن به شمار می‌آید. البته می‌توان گفت که در این نظام رشد اقتصادی بالاتر و مهم‌تر از عدالت اقتصادی است (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶). معمولاً در این گونه نظام‌ها رشد سرمایه هدف غایی اساسی فعالیت‌های اقتصادی تلقی می‌شود، زیرا در رژیم سرمایه‌داری «ماده» بالاتر از همه ارزش‌ها قرار می‌گیرد.

۴. اهداف جاری

اهداف جاری، برنامه‌ها و سیاست‌هایی هستند که نظام اقتصادی برای رسیدن به اهداف میانی و عالی در پیش می‌گیرد. چنین برنامه‌هایی ضرورتی ندارد که به طور مستقیم از طرف آموزه‌های

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

دینی تأیید شوند ولی باید هم در چارچوب موازین اسلامی و هم در راستای اهداف میانی و نهایی باشند. این‌گونه اهداف معمولاً محدود نمی‌باشند و در چارچوب سه هدف تثبیت، توزیع و تخصیص دسته‌بندی می‌شوند.

۱-۴. تثبیت اقتصادی

منظور از تثبیت اقتصادی، جلوگیری از نوسانات و بحران‌های اقتصادی است این اندیشه در قالب اهداف زیر امکان‌پذیر است:

الف) ایجاد اشتغال و رفع بیکاری

فراهم آوردن فرصت‌های شغلی و از بین بردن بیکاری، باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود و به تحقق عدالت اقتصادی کمک می‌کند و هم‌چنین ضریب امنیت اقتصادی را افزایش می‌دهد؛ چون بیکاری همیشه تهدید جدی برای اقتصاد کشور است و باعث اعتراض‌های اجتماعی می‌شود. این امر امنیت اجتماعی و اقتصادی را در معرض خطر قرار می‌دهد. بنابراین ایجاد اشتغال و رفع بیکاری باعث تحقق هر سه هدف میانی می‌شود. با تحقق اهداف میانی مکتب اقتصادی اسلام، رفاه عمومی افزایش می‌یابد (یوسفی، ۱۳۸۵، ص۱۲۰). در اسلام، هم به صورت فردی و هم در سطح کلان، بر این مسئله تأکید فراوان شده است، به گونه‌ای که پیامبر اکرم (ص) نیز در طول اقامت خود در مدینه، اقداماتی را در این زمینه انجام داد. بالا بردن سطح اشتغال، منحصر در نیروی انسانی نیست؛ بلکه مقصود به کار بستن تمام امکانات بالقوه موجود در جامعه است که از آن به اشتغال‌کامل تعبیر می‌شود. بنابراین یکی از وظایف مهم دولت اسلامی این است که جهت گیری سیاستی خود را در جهت بهبود کیفی و کمی عوامل تولید و اشتغال کامل سوق دهد (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، ص ۸۹). در نظام اقتصاد سرمایه‌داری مکانیسم بازار به عنوان ابزار ایجاد تعادل و اشتغال‌کامل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا، اقتصاددانان مکتب شیکاگو و در رأس آن‌ها فریدمن مکانیسم بازار را برای ایجاد تعادل اقتصادی و اشتغال‌کامل با استفاده از نرخ دستمزد و نرخ بهره کافی دانسته‌اند (نمازی، ۱۳۹۳، صص ۱۷۲-۱۷۳).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

ب) تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها

افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، توزیع در آمد را به نفع اغنیا و به ضرر اقشار ضعیف و کم درآمد جامعه به هم می‌ریزد. درآمد قشرهای متوسط و فقیر روز به روز کمتر و درآمد اغنیا بیشتر می‌شود. این امر باعث افزایش شکاف طبقاتی و توزیع ناعادلانه امکانات اقتصادی در جامعه می‌گردد. از طرفی دیگر، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها یک نوع تهدید برای امنیت اقتصادی جامعه به شمار می‌آید. با توجه به رابطه معکوس بین قیمت نهاده‌های تولید و میزان تولید، با افزایش قیمت نهاده‌های تولیدی میزان محصول تولیدی کاهش می‌یابد که این وضعیت باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افزایش سطح عمومی قیمت‌ها بر عدالت ، امنیت و رشد اقتصادی جامعه تأثیر منفی دارد ولی در صورتی که قیمت‌ها تثبیت شوند، وضعیت اقتصادی به سمت عدالت، امنیت و رشد اقتصادی سوق خواهد یافت. دولت اسلامی به کمک سیاست‌های اقتصادی قیمت‌ها را در سطح متعادلی قرار می‌دهد. برای این منظور، از یک طرف دولت با سیاست حمایتی از تولیدکنندگان و برنامه‌ریزی در جهت افزایش بهره‌وری و فناوری تولید، از افزایش قیمت‌ها جلوگیری می‌کند. از طرف دیگر، با بهره‌گیری از آموزه‌های حیات‌بخش اسلام در زمینه تشویق به قناعت و نکوهش اسراف و حرص‌ورزی از افزایش قیمت‌ها جلوگیری می‌کند(یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱).

کینز معتقد است در جامعه سرمایه‌داری که تعیین قیمت‌ها در شرایط رقابت کامل صورت نمی‌گیرد و بنگاههای انحصاری هر کدام قیمت خود را در حدی تعیین می‌کنند که از قیمت رقابتی بیشتر و مقدار تولید از مقدار تولید رقابتی کمتر شود، بنابراین همواره مقداری بیکاری وجود دارد. برای رفع این مشکل، وی ضمن به رسمیت شناختن مکانیسم تعادل خودکار بازار معتقد است که دولت در مواقع لزوم بایستی در نظام اقتصادی دخالت کند و با اعمال سیاست‌های پولی از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند (تفضلی،۱۳۷۵، ص ۳۹۳).

ج) ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی

یکی از اهداف سیاست‌های اقتصادی، ایجاد تعادل میان دریافت‌ها و پرداخت‌های خارجی و تثبیت ارزش پول ملی است؛ زیرا هرگاه حساب ترازپرداخت‌های یک کشور به طور مداوم دچار کسری باشد، افزون بر بروز اختلالاتی در متغیرهای درونی اقتصاد (مانند اثر بر روی سطح قیمت‌ها) موجب کاهش و از بین رفتن اعتبار آن کشور و ایجاد مشکل در روابط تجاری با سایر کشورها شده و زمینه‌های وابستگی اقتصادی را نیز فراهم می‌کند. این هدف از طریق حفظ

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

ارزش پول ملی و حفظ قدرت خرید آن در عدالت اقتصادی، امنیت، حفظ استقلال اقتصادی و داشتن اقتصادی مقتدر تأثیر بسزایی دارد. بنابراین، دولت اسلامی باید با اجرای سیاست‌هایی مانند تشویق به تولید کالاهای با کیفیت بالا که در آن مزیت نسبی دارد جهت جلب توجه بازارهای خارجی، نظارت و کنترل بر واردات، پرهیز از صدور مواد اولیه و خام و تبدیل آن‌ها با فراورده‌های بیش‌تر و ... تأمین کننده این اهداف باشد (فراهانی‌فرد،۱۳۸۱، ص ۹۱).

د) رشد و توسعه اقتصادی

از منظر قرآن، پیشرفت و توسعه نیازمند صبر و تحمل، مشقت و سختی‌ها در مسیر پیشرفت و کمال است . قرآن کریم صبر ایجابی و واقع بینانه را به عنوان یکی از عوامل موفقیت چه در اقتصاد متعارف و چه در اقتصاد اسلامی می‌داند. به همین دلیل همواره در کنار دستور به تواصی به حق، دستور به تواصی به صبر را نیز یادآوری می‌کند (یونس‌المصری،۱۴۲۶، صص ۵۵-۶۰). یکی از اهداف اصلی همه نظام‌های اقتصادی، تحقق رشد و توسعه اقتصادی به معنای افزایش تولید ناخالص ملی است. هرکدام از سیستم‌های اقتصادی ماهیت و لزوم رشد را تنها با شیوه‌های مورد نظر خود قبول داشته و شیوه‌های مخالف را رد می‌کنند. نظام سرمایه‌داری روش‌هایی را که با آزادی اقتصادی منافات داشته باشد مردود می‌شناسد. اسلام نیز شیوه‌هایی را که با نظریه توزیع و ایده‌های عدالت‌خواهی معارض باشد را قبول ندارد (صدر،۱۳۴۹، ص۲۵۹).

۲-۴. توزیع عادلانه

امر تولید و توزیع در نظام اقتصاد سرمایه‌داری معمولاً با اشترک و همکاری چند عنصر انجام می‌شود. بنابراین محصول را باید به نسبت سهمی که هریک از عوامل در تولید دارند، تقسیم کرد. کینز و بسیاری از اقتصاددانان در بررسی پژوهش‌های اقتصادی خود درباره توزیع مناسب درآمد بین نیروی کار و سرمایه به این نتیجه رسیدند که فناوری به تنهایی مسئله توزیع درآمد اولیه بین نیروی کار و سرمایه را تعیین می‌کند و مسئله توزیع درآمد هیچ ارتباطی به ترتیبات اجتماعی و سیستم اقتصادی یا عدالت اقتصادی ندارد. (Brada, 2013: 334-335). ولی، اسلام با این نظریه سرمایه‌داری مخالف و آن را قبول ندارد (صدر، ۱۳۴۹، ص ۱۹۵). در نظام اقتصادی اسلام با توجه به اینکه تحقق عدالت اقتصادی از اهداف مهم آن به شمار می‌رود، به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

مسأله توزیع حساسیت بسیاری نشان داده و بـه منظـور زدودن فقـر و برقـراری رفـاه عمـومی در سطح جامعه، توزیع عادلانه ثروت و درآمد را در سه مرحله ترسیم کرده است:

الف) توزیع پیش از تولید

مقصود از توزیع پیش از تولید، شیوه بهره‌برداری از ثروت‌هـای طبیعـی چـون زمـین، آب و مباحـات عمومی (ماهی، پرندگان و...) است. اسلام در حدود نظریه عمومی توزیع قبل از تولیـد؛ کسـب حقـوق خصوصی در منابع طبیعی را به رسمیت می‌شناسد (صدر،۱۳۴۹، ص ۱۹۵). احکام مالکیـت عمـومی و دولتی در مورد ثروت‌های طبیعی و نحوه بهره‌برداری افراد از آن‌هـا، نظریـه توزیـع قبـل از تولیـد را مطرح می‌کند. در اقتصاد سرمایه‌داری بحث توزیع روی تعیین سهم عوامل تولید از محصول متمرکـز می‌شود و سرمایه، زمین یا طبیعت، نیروی کار انسانی، عوامل اصلی تولیدند که در کنار یکـدیگر قـرار گرفته‌اند و سهم آن‌ها ناشی از تولید به وسیله مکانیسم بازار و از طریق نـرخ بهـره، اجـاره و دسـتمزد تعیین می‌شود. به بیانی دیگر، بر مبنای اصل آزادی، مالکیت فردی بر منابع طبیعی امکانپذیر اسـت و بهره‌برداری از آن از راه به کارگیری سرمایه و نیروی کار است (نمازی، ۱۳۹۳، ص ۳۷۶).

ب) توزیع بعد از تولید

توزیع دراقتصاد سرمایه‌داری مربوط بـه ارزش نقـدی کالاهـا و خـدمات تولیـدی میـان عوامـل شرکت کننده در تولید می‌باشد. به این ترتیب صاخب سزمایه، صاحب زمـین، کارفرمـا و کـارگر هرکدام سهم ویژه‌ای از محصول را برداشت می‌کنند. بنابراین در این چنین نظـامی تنهـا توزیـع پـس از تولیـد مـورد مطالعـه قـرار مـی‌گیـرد (صـدر،۱۳۴۹، ص۶۰). کـار و سـرمایه در نظـام سرمایه‌داری هر دو از جمله عوامل و عناصر شرکت کننده در تولیداند، طبیعتاً نتیجـه تولیـد بـه نسبتی که عرضه و تقاضا و سایر قوانین حاکم بر توزیع تعیـین مـی‌کننـد، میـان آن‌هـا تقسـیم می‌شود. ولی در نظریه پس از تولید، طبق نظریه اسـلام، محصـول و درآمـد تولیـدی، فقـط در مالکیت کسی است که روی مواد اولیه طبیعی شخصاً کار کرده باشد و صـاحبان ابـزار تولیـد – زمین و سرمایه – که در تولید از آن‌ها استفاده شده، سهمی از محصول نمی‌برنـد بلکـه از سـود منتفع می‌شوند، زیرا ابزار و وسائل مزبور در تولید جنبـه فرعـی داشـته و تنهـا در مهـار کـردن طبیعت به کار می‌آیند (صدر، ۱۳۴۹، ص ۱۹۶). علت اساسـی اخـتلاف میـان نظریـه توزیـع در مکتب اقتصاد اسلام و نظام سرمایه‌داری، اختلاف شخصیت و نقـش انسـان در تولیـد از دیـدگاه این دو نظام است. در نظام اقتصاد سرمایه‌داری انسان وسیله است در خدمت تولیـد و در نتیجـه در ردیف سایر عوامل تولید قرار می‌گیرد و مانند آنهـا از تولیـد سـهم مـی‌بـرد. ولـی در مکتـب

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

اقتصاد اسلام، انسان سازنده و تولیدکننده، هدف و غایت مقصود است. بنابراین صاحب اصلی ثروتی است که که با کار او یعنی عامل غیرمادی تولید ایجاد شده است (نمازی، ۱۳۹۳، ص ۳۷۹).

ج) توزیع مجدد

قرآن کریم به توزیع مجدد ثروت به عنوان یکی از ابزارهای مانع چرخش سرمایه بین اغنیاء می‌پردازد تا از این طریق ثروت در همه سطوح اقتصادی به چرخش درآمده و همه گروه‌های اقتصادی نقش خود را در اقتصاد ایفا نمایند تا از ظلم، سرکشی و طغیان ناشی از ثروت‌های بی‌حد از سوی ثروتمندان جلوگیری کند (یونس‌المصری، ۱۴۲۶، ص ۹۴-۱۰۲). در دو مرحله پیشین، ملاک اصلی توزیع ثروت و منافع در بین افراد، کار (درصورتی که سرمایه نیز نوعی کار ذخیره شده فرض شود) بود. اما در این مرحله، ملاک توزیع، نیاز افراد است. بی‌تردید ناتوانی گروهی از افراد از شرکت در فعالیت‌های اقتصادی و نیز وجود برخی از عوامل طبیعی در فرآیند تولید (اختلاف در استعداد، ریسک‌پذیری و شرایط اقلیمی)، سبب تفاوت در درآمد افراد شده و به بروز شکاف طبقاتی منجر می‌گردد. اسلام به منظور از بین بردن این شکاف و جلوگیری از فقر در سطح جامعه، تنها به توصیه‌های اخلاقی اکتفا نکرده است. حق این افراد در اموال دیگران که به عنوان «حق معلوم» در قرآن مورد تأکید قرار گرفته بر اساس حق مشارکت آن‌ها در ثروت‌های عمومی و دولتی است. ولی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری افزایش احتیاج می‌تواند موجب افزایش عرضه کار و در نتیجه کاهش دستمزد شود و حتی اثر منفی روی توزیع بگذارد. اگر چه در نظام اقتصاد سرمایه‌داری مقرراتی با تعیین حداقل دستمزد، از تأثیر منفی احتیاج بر توزیغ کاسته شده و با برقراری تأمین اجتماعی، احتیاج در توزیع مدخلیت یافته است، اما این اقدامات تنها در شرایط زور و فشارهای اجتماعی انجام گرفته و به قیمت نقض بعضی از اصول نظام سرمایه‌داری از جمله تعادل خودکار و عدم مداخله دولت تمام شده است (نمازی، ۱۳۹۳، صص ۳۸۱-۳۸۳).

۳-۴.تخصیص بهینه منابع

یکی از اهداف تمام نظام‌های اقتصادی، تخصیص منابع به طور کارا است. سیاست‌های اقتصادی در چارچوب مکتب اقتصادی اسلام، به دنبال آن است که استفاده از منابع در اقتصاد به صورت کارا انجام شود یا حداقل عدم‌کارایی‌ها را به کم‌ترین میزان ممکن کاهش دهد. اولین هدف تخصیص منابع رفع نیازهای ضروری و اساسی عموم است. برای رسیدن به این هدف، تخصیص منابع ابتدا از طریق نیروهای بازار انجام می‌گیرد؛ اما در صورتی که چنین تخصیصی از دیدگاه

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

ملاحظات اخلاقی و اجتماعی با اهداف و ارزش‌های جامعه اسلامی ناسازگار باشد اصلاح و تعدیل می‌گردد. تخصیص منابع در نقاط مختلف جامعه اسلامی براساس عدالت انجام می‌گیرد. دولت اسلامی موظف است از طریق اعمال سیاست‌های مالی و پولی منابع را به سمت مناطقی که فعالیت اقتصادی برای تولید کالاهای ضروری و ایجاد اشتغال به صرفه نیست، جهت دهد. ولی در مقابل در نظام سرمایه‌داری تخصیص منابع از طریق عملیات بازار آزاد تخصیص می‌یابد. قیمت‌های متفاوت برای محصولات، منابع را از مصارف با سود کم‌تر به سمت مصارف سودآورتر هدایت می‌کند. سیستم بازار منابع را مطابق با ترجیحات مصرف‌کننده که از طریق تقاضا برای محصولات مختلف آشکار می‌گردد تخصیص می‌دهد. از طرف عرضه نیز تولیدکنندگان با توجه به برابری هزینه‌های نهایی و درآمد سطح محصول تولیدی مورد نظر خود را تعیین می‌کنند. با توجه به این روش‌ها نابرابری درآمدها روز به روز بیشتر و پایدارتر می‌شود. در نتیجه کسانی که قدرت اقتصادی بالاتری دارند منابع تولیدی جامعه را برای رفع نیازهای خود به کار می‌گیرند و هر کالایی که از نظر اقتصادی مطلوب ولی برای جامعه مضر باشد را تولید می‌کند ولی از طرفی دیگر هر کالایی را که توجیه اقتصادی نداشته باشد را تولید نمی‌کند، هر چند که ضروری و اساسی هم باشد (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱، صص۹۵-۹۷).

جمع بندی و نتیجه گیری

این پژوهش بیان می‌کند که نظام اقتصادی، مجموعه‌ای مرتبط و هماهنگ است که برای رسیدن به تعادل اقتصادی و اهداف اقتصادی مورد نظر خود تلاش می‌کند. اهداف هر نظام اقتصادی محور تمام سیاست‌ها، قانون‌گذاری‌ها و توصیه‌های اخلاقی آن نظام است. نظام‌های اقتصادی مختلفی از جمله مکتب اقتصاد اسلام و نظام اقتصاد سرمایه‌داری در جامعه وجود دارند که هر کدام از این نظام‌ها بر اساس جهان‌بینی و نگرش خاص خود، شکل گرفته‌اند، که در چارچوب همین جهان‌بینی و نگرش حاکم بر خود، روش‌های متفاوتی را برای نیل به اهداف اقتصادی خود در پیش می‌گیرند. مکتب اقتصادی اسلام تنها نظام اقتصادی است که از علم بی‌پایان الهی نشأت گرفته و جهان‌بینی حاکم بر آن براساس قرآن، سنت پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) است. ولی در مقابل می‌توان گفت که نظام اقتصاد سرمایه‌داری نظام قدرتمند حاکم بر جامعه است که توسط کارگزاران و سرمایه‌داران خصوصی شکل گرفته و جهان‌بینی حاکم بر آن بر اساس خداشناسی طبیعی، اصالت فرد و آزادی‌های فردی می‌باشد که نتیجه آن همان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

قدرت اقتصادی و رسیدن به حداکثر منافع مادی وشخصی است. به طور خلاصه نتایج زیر از تطبیق و بررسی این دو نظام حاصل شد:

الف) مکتب اقتصادی اسلام ثابت و جهان شمول است، بنابراین جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم برآن مستلزم اهداف خاصی هستند که در قرآن و احادیث به آنها تصریح شده است و برای نیل به اهداف خود از راهکارهایی که در منابع دینی ارائه شده است بهره می‌گیرد. ولی نظام اقتصاد سرمایه‌داری ثبات و جهان شمول نیست و مبانی اعتقادی آن بر اساس اصول دئیسم است..

ب) هدف غایی در مکتب اسلامی دستیابی بیشترین افراد به بالاترین مرتبه عبودیت خداوند است و بعد از این هدف رفاه عمومی در این مکتب به عنوان هدف عالی محسوب می‌شود، درحالی که عدالت و امنیت و رشد اقتصادی اهداف مقدمی برای رسیدن به اهداف عالی‌اند. ولی در نظام سرمایه‌داری هدف غایی دستیابی بیش‌ترین افراد به بیش‌ترین سود است. بعد از آن رفاه عمومی با مفهوم خاصی هدف عالی محسوب می‌شود و عدالت و رشد اقتصادی اهداف میانی‌اند.

ج) در مکتب اقتصاد اسلامی رشد اقتصادی هدف مقدمی برای رسیدن به رفاه عمومی و ابزاری برای رسیدن به آن است. علاوه بر این‌ها رشد اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که باعث بی‌عدالتی، بی‌انصافی و ظلم در جامعه نشود. ولی در نظام سرمایه‌داری رشد هدفی برتر از دیگر اهداف هم‌چون رفاه عمومی است. در این نظام نه تنها به عدالت و انصاف اهمیت داده نمی‌شود بلکه رشد اقتصادی برتر از عدالت است و برای رسیدن به رشد اقتصادی در برخی مواقع ظلم و بی‌عدالتی هم صورت می‌گیرد.

د) در مکتب اقتصادی اسلام عدالت برای رسیدن به عبودیت خداوند و رفاه عمومی ضروری می‌باشد به همین دلیل برای اجرای این امر راهکارهایی همچون کاهش فقر و فاصله طبقاتی، توزیع عادلانه ثروت و درآمد، جلوگیری از اسراف و تبذیر و... را به کار می‌گیرد.ولی درنظام اقتصاد سرمایه‌داری رعایت عدالت اقتصادی زیاد اهمیت ندارد و به رعایت آن توجه لازم نمی‌شود.

ه) بیان شد که اهداف مکتب اقتصاد اسلامی با توجه به جهان‌بینی اسلامی به طور کلی به چهار گروه؛ هدف غایی (قرب الهی)، اهداف عالی (رفاه عمومی)، اهداف میانی (عدالت، امنیت و رشد اقتصادی) و اهداف جاری (تثبیت اقتصادی، توزیع عادلانه منابع، تخصیص بهینه منابع) رتبه‌بندی شده‌اند، به گونه‌ای که می‌توان گفت این چند دسته اهداف با هم ارتباط طولی دارند. سپس مکتب اقتصاد اسلامی و نظام اقتصاد سرمایه‌داری با توجه به دو شاخص ثابت و جهان

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

شمول بودن، با بررسی سه نکته: مفهوم سعادت انسان و جامعه از دیدگاه اسلام، انسان در جهان بینی اسلام و نظام علت و معلولی در جهان‌بینی اسلام، اهداف نظام‌های اقتصادی تطبیق داده شده و اهداف جاری ضرورتی ندارد که مستقیم از ناحیه آموزه‌های دینی تأیید شوند، ولی اجرای این اهداف هم برای تحقق اهداف میانی و نهایی لازم است و هم باید در چارچوب موازین اسلامی باشند.

منابع

۱. قرآن کریم

۲. الکلینی، ابوجعفربن‌یعقوب‌بن اسحاق (۱۳۸۹.ق)، «کافی»، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، الطبعه الثانیه.

۳. ایروانی، جواد (۱۳۹۱)، «انسان اقتصادی از دیدگاه فرآن»، مجله آموزه‌های قرآنی، ش ۱۵، صص ۳-۲۶.

۴. تفضلی، فریدون (۱۳۷۵)، « تاریخ عقاید اقتصادی»، نشر نی، فصل ۱۶، چاپ دوم، صص۳۶۳- ۳۹۳.

۵. چارلزوست، چرچمن (۱۳۶۹)، «نظریه سیستم‌ها»، ترجمه رشید اصلانی، انتشارات مرکز مدیریت دولتی، فصل اول، چاپ دوم، صص۱۶- ۳۱.

۶. دادگر، یدالله (۱۳۷۸) ،«نظام سرمایه‌داری از زبان اقتصاددانان سرمایه‌ای»، مجله کتاب نقد، شماره ۱۱، صص ۱۴۶- ۱۷۳.

۷. ری‌شهری، محمد (۱۳۷۴)، «میزان‌الحکمه»، قم: انتشارات دارالحدیث، چاپ اول،ج ۴.

۸. سید رضی (۱۳۸۳)، «نهج البلاغه»، مترجم: محمد دشتی، قم: مؤسسه انتشارات حضور، نامه ۵۳، چاپ دوم.

۹. صدر، محمد باقر (۱۳۴۸)، «اقتصاد ما»، مترجم: محمد کاظم موسوی؛ تهران: انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی، چاپ اول، ج ۱.

۱۰. صدر، محمد باقر (۱۳۴۹)، «اقتصاد ما»، ترجمه استهبدی، انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی، چاپ اول، ج ۲.

۱۱.فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۱)، «جایگاه سیاست‌های اقتصادی در اسلام»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۲.فراهانی‌فرد، سعید و محسن کشاورز (۱۳۹۳)، «بررسی تجربی تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام در اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی»؛ مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴، صص ۷-۳۰.

۱۳.مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، «وحی و نبوت»، قم: انتشارات صدرا، چاپ بیست و دوم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]

۱۴.مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، «شش مقاله؛ جهان‌بینی الهی و جهان‌بینی مادی»، تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهارم.
۱۵. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۱)، «اقتصادی اسلام ساختار کلان»، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۶.میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۸)، «نقدی بر اهداف نظام سرمایه داری از دیدگاه اسلام»، کتاب نقد، شماره ۱۱، صص ۶۴-۸۷.
۱۷.منذرقحف (۱۳۸۴)، «دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و تحلیل اقتصاد اسلامی»، ترجمهٔ سیدحسین میرمعزی، اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۵۷- ۱۷۸.
۱۸.موسویان، عباس (۱۳۸۱)، «دین واقتصاد»، اقتصاد اسلامی، شماره ۸، صص ۳۷-۶۰.
۱۹.یوسفی ،احمدعلی (۱۳۸۵)، «ابهام در اهداف نظام اقتصاد اسلام و ساماندهی آن»، اقتصاد اسلامی، صص ۱۰۱- ۱۲۶.
۲۰. یوسفی، احمد علی (۱۳۸۷)، «اهداف اقتصادی حکومت اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۵۰، صص ۳۱-۶۶.
۲۱.یونس‌المصری، رفیق (۱۴۲۶)، « الاعجاز الاقتصادی للقران الکریم»، دمشق: الانتشارات دارالقلم.
۲۲.نظری، حسن آقا (۱۳۸۵)، «نظریه پردازی اقتصاد اسلامی»، انتشارات سمت، چاپ اول.
۲۳.نمازی، حسین (۱۳۹۳)، «نظام‌های اقتصادی»، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
24. Angeles, Peter; (1981), Dictionary of Philosophy, Barnes and Noble Books, New York.
25.Berend, Ivan T; (2015), Capitalism, International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Eds), Elsevier: Oxford, PP. 94- 98.
26.Brada, J.C; (2013) ,the Distribution of Income Between Labor and Capital Is Not Stable: But Why Is That So and Why Does It Matter?, Economic Systems, 37(3): PP. 333-344.
27. Kocka, J.R. and J.D. Wright; (2015), Capitalism: The History of the Concepts, in International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Eds.), Elsevier: Oxford, PP. 105-110.
28.Kuran, T; (1989), On the Notion of Economic Justice in Contemporary Islamic Thought, International Journal of Middle East Studies, 21(02): PP. 171-191.
29.Pryor, F.L; (2010), Capitalism and Freedom? Economic Systems, 34(1): PP. 91-104.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-09-14]